زیر آسمان فیروزه‌ای

تمدید مهلت ارسال کتاب برای جایزه شعر شاملو

● **شرق:** مهلت ارسال کتاب برای جایزه شعر احمد شاملو تمدید شد. حافظ موسوی، دبیر نخستین دوره جایزه شعر احمد شاملو، اعلام کرد: با تشکر از شاعران و ناشران محترمی که در پی فراخوان مؤسسه الف. بامداد، کتاب‌های شعر خود را برای شرکت در جایزه شعر احمد شاملو به دبیرخانه این جایزه ارسال کرده‌اند، به آگاهی می‌رساند که مهلت ارسال آثار تا بیستم مهرماه سال جاری تمدید شده است. ازاین‌رو بار دیگر از شاعران محترم و نیز ناشرانی که در زمینه انتشار شعر فعالیت دارند درخواست می‌شود سه نسخه از کتاب‌های چاپ اول شعر نو خود را که در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است حداکثر تا تاریخ بیستم مهرماه به این نشانی ارسال کنند: تهران، بزرگراه شهید خرازی، شهرک امید دژبان، مجتمع مسکونی طلوع فجر، ارغوان ۲، هشتم غربی، واحد ۲۳ (حافظ موسوی).

به گفته او، تاکنون ۱۲۲ عنوان مجموعه شعر به دبیرخانه جایزه شعر احمد شاملو رسیده است و داوران مرحله نخست از هجدهم شهریورماه کار بررسی آثار رسیده را آغاز کرده‌اند.

هفت جهان

«اتاق» فیلم منتخب جشنواره تورنتو

● فیلم «اتاق» به کارگردانی لنی آبراهامسون در چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو جایزه انتخاب مردم را از آن خود کرد. فیلم «اتاق» که هفته گذشته برای اولین‌بار در جشنواره فیلم تلورید آمریکا به روی پرده رفته بود، توانست با بازخوردهای مثبت منتقدان مخصوصا برای بازی «بری لارسون» در نقش مادر و «جیکوب ترمبلی» در نقش پسری پنج ساله به نام «جک» مواجه شود. این فیلم ایرلندی پنجمین ساخته بلند سینمایی «آبراهامسون» است که سال گذشته با فیلم «فرانک» با بازی «مایکل فاسبندر»، تحسین منتقدان سینمایی را در جشنواره فیلم ساندنس برانگیخت. بسیاری از منتقدین نیز فیلم «اتاق» را به سبب جسارت کارگردان در ساخت ۴۵ دقیقه ابتدایی آن در یک اتاق کوچک، ستودند. این فیلم پنجمین فیلم بلند آبراهامسون فیلم‌ساز ایرلندی است که با فیلم «فرانک» با بازی مایکل فاسبندر در نقش فرانک سایدباتم سال پیش فیلم افتتاحیه جشنواره ساندنس بود. «اتاق» اولین فیلم این کارگردان است که خارج از ایرلند ساخته شده و اما دوناهو نویسنده این کتاب نیز ایرلندی-کانادایی است. در بیانیه‌ای که در مراسم اختتامیه جشنواره فیلم تورنتو خوانده شد، آبراهامسون از اینکه شایسته چنین افتخاری شناخته شده، تشکر کرد. این فیلم از سوی منتقدان و از میان مجموعه‌ای از تریلرها، فیلم‌های داخلی و خارجی انتخاب شد اما دوناهو پس از شنیدن داستان جوزف فرتنسل مرد اتریشی که ۲۴ سال دخترش را ربوده و زندانی کرده بود و از او صاحب سه فرزند شده بود، این کتاب را نوشت. «اتاق» در حالی جایزه اصلی جشنواره تورنتو را برد که بیشتر نگاه‌ها متوجه «مرکز توجه» (Spotlight) به‌کارگردانی تامس مکارتی بود اما این فیلم انتخاب دوم تماشاگران بود. مایکل کین در «مرکز توجه» که اولین بار در دنیا اوایل این ماه در بخش خارج از مسابقه جشنواره فیلم ونیز نمایش داده شد، نقش والتر رابینسن خبرنگار بوستون گلوب را بازی می‌کند که سال ۲۰۰۳ گزارش او درباره رسوایی سوءاستفاده جنسی کلیسای کاتولیک برنده جایزه پولیتزر شد. در دیگر بخش‌ها، «سیاه» به‌کارگردانی عادل العربی و بلال فلاح جایزه برنامه «دیسکاوری» را دریافت کرد. جوایز فیلم کوتاه به «مامان» و «پل هوایی» رسید. «غول خواب» به‌کارگردانی اندرو سیویدینو بهترین فیلم بلند داستانی اول کانادایی معرفی شد و جایزه بهترین فیلم بلند کانادایی به «هیولای گنجه» به‌کارگردانی استفن دان اعطاء شد. بیست‌وچهارمین جایزه سالانه فیپرشی نیز به فیلم‌های «Eva Nová» به کارگردانی مارکو اسکوپ و «Diesierto» به کارگردانی خوناس کوارون رسید. «ستاره نجواگر» به کارگردانی سیون یونو هم جایزه نتپک بهترین فیلم آسیایی را برد. چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو ۱۰ تا ۲۰ سپتامبر (۱۹ تا ۲۹ شهریور) برگزار شد.

معرفی برندگان اسکار تلویزیونی

«بازی تاج و تخت» به‌ثمر نشست

«بهترین دختر جدید» جایزه بهترین کارگردانی سریال‌های کمدی را دریافت کرد. در رشته بهترین بازیگر زن نقش مکمل سریال کمدی، آلیسون جنی برای «مامان» برنده شد. جایزه بهترین بازیگر مرد مکمل در سریال‌های کمدی به تونی هیل برای «معاون» رسید. بهترین بازیگر سریال کمدی هم جفری تامبر در «بهترین دختر جدید» شد. بهترین بازیگر زن سریال کمدی، جولیا لوییس-دریفوس در «معاون» معرفی شد. جایزه بهترین برنامه رقابتی رئالیتی از آن «صدا» شد. برنده نویسندگی برای سریال کوچک، فیلم یا قطعه ویژه نمایشی، جین اندرسون یا «اولیو کیتریچ» از HBO شد. بهترین کارگردان سریال کوتاه، فیلم یا قطعه ویژه نمایشی نیز لیسا چولودنکو برای «اولیو کیتریچ» شد. ریچارد جنکینس در «اولیو کیتریچ» به‌عنوان بهترین بازیگر در مینی‌سریال یا فیلم انتخاب شد. رجینا کینگ در «جرم آمریکایی» بازیگر زن مکمل در سریال کوتاه یا فیلم و بیل موری در «اولیو کیتریچ» به‌عنوان بازیگر مرد مکمل در سریال‌های محدود یا فیلم برگزیده شدند. در سریال محدود «اولیو کیتریچ» در رقابت با «جرم آمریکایی»، «داستان ترسناک آمریکایی»، «زن محترم» و «تالار گرگ» برنده شد.

در بخش بهترین سریال‌های واریته، «درون امی شومر برنده شد. در کارگردانی سریال‌های واریته چاک اونیل برای «دیلی شو با جان استوارت» برنده شد. در بهترین سریال‌های واریته، «دیلی شو» برگزیده شد.

بهترین بازیگر میهمان در سریال‌های درام، رگ‌ای. جیتی در «خانه پوشالی» و بهترین بازیگر زن میهمان در سریال‌های درام، مارگو مارتیندل در «آمریکایی‌ها» شد. بهترین بازیگر زن مکمل، اوزو آدوبا در «نارنجی سیاه جدید است» و بهترین کارگردانی این بخش «بازی تاج و تخت» - «شفقت مادر» اثر دیوید نوتر معرفی شدند. جایزه بهترین بازیگر مرد سریال درام به پیتر دینکلیج در «بازی تاج و تخت» رسید.

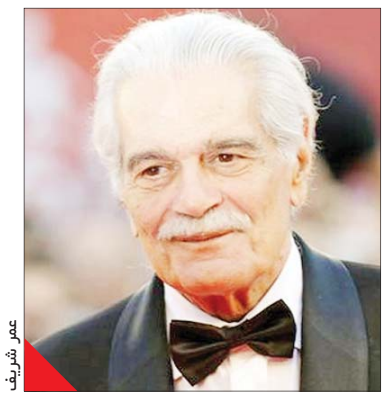
عمر شریف

جانی دپ

آنجلینا جولی

جورج کلونی

حضور بازیگران خارجی؛ ترفند تبلیغاتی یا ضرورت

ستاره‌ها در ایران فرود نمی‌آیند

عسل عباسیان: مدت‌هاست خبر حضور بازیگران غیرایرانی، در پروژه‌های مختلف سینمایی، بر سر زبان‌هاست و موضوع آن‌قدر جدی به‌نظر می‌رسد که وزیر ارشاد نیز در آخرین اظهارنظرهایش به آن اشاره کرده: «در همین جشنواره بین‌المللی فجر که در اردیبهشت برگزار شد، قراردادهایی را با چند کشور منعقد کردیم که فیلم‌های مشترک با هم بسازیم و وقتی می‌خواهیم فیلم‌های مشترک بسازیم، ممکن است بازیگرانی از ایران و کشورهای دیگر در این فیلم‌ها بازی کنند». این در حالی است که هیچ جزئیاتی درباره این همکاری‌های مشترک، اعلام نشده است.

جانی دپ، عمر شریف و جورج کلونی

در فیلم «محمد (ص)» که این‌روزها بر پرده‌های سینماست، ابتدا قرار بود بازیگران خارجی حضور داشته باشند؛ بنا بود ترکیبی از بازیگران ایرانی و خارجی در این فیلم حضور داشته باشند، حتی دو بازیگر هالیوودی که یکی «جانی دپ» بوده و دیگری هم گویا لبنانی‌الاصل که بر اساس گمانه‌زنی‌هایی گفته شده بود احتمالا «کیانو ریوز» است چون تنها بازیگر لبنانی‌الاصل مطرح هالیوودی است، برای حضور در فیلم اعلام آمادگی می‌کنند؛ اما درنهایت گروه تولید به این نتیجه رسید که استفاده از این بازیگران با وجود بعد تبلیغاتی و قدرتی که برای جذب مخاطب به فیلم می‌دهد، با هدف نهایی فیلم در تضاد است، پس سراغ نمونه‌های وطنی رفت که نتیجه‌اش شد انتخاب مهدی پاکدل، ساره بیات، محسن تنابنده، علیرضا شجاع‌نوری و داریوش فرهنگ. پروژه «لاله» هم که قرار بود اسدالله نیک‌نژاد آن را تهیه کند، قرار بود با بازیگران خارجی کلید بخورد. اگرچه نهایتا عوامل فیلم، اعلام نکردند کدام بازیگران خارجی به این پروژه خواهند پیوست، نهایتا گمانه‌زنی‌هایی مبنی‌بر حضور «جورج کلونی» و «رابرت دنیرو» در این فیلم، وجود داشت که با توقف ساخت آن، این شایعه‌ها نیز به فراموشی سپرده شد. «آمیتا باچان» و «سلمان‌خان» نیز از آن دست بازیگران خارجی بودند که چندسال پیش شایعه شد بناست در سینمای ایران حضور یابند؛ گفته شد علی شاه‌حاتمی قصد دارد فیلمی با نام «قفس» بسازد و در آن از این ستاره‌های سینمای بالیوود استفاده کند! این صحبت‌ها در حالی مطرح شد که مطابق معمول خبر از توافق‌های اولیه برای حضور این بازیگران منتشر شد اما در ادامه اصلا معلوم نشد سرنوشت این فیلم به کجا انجامید. فیلم «سن پطرزبورگ» به تهیه‌کنندگی حمید اعتباریان و به کارگردانی بهروز افخمی، یکی دیگر از فیلم‌هایی بود که نام‌های زیادی برای حضور در آن اعلام شد. این فیلم که پیش از اکرانش از جانب خود عوامل سازنده به‌عنوان بهترین کمدی تاریخ سینمای ایران خوانده شده بود، از نام‌های مشهوری چون «عمر شریف» و «مایکل کین» برای ایفای نقش‌های اصلی نام برده شده بود؛ نام‌هایی که کسی به درستی نمی‌دانست چه ربطی به هم دارند! پس از مدتی شایعه حضور پرویز پرستویی در کنار عمر شریف مطرح شد که تعجب همگان را در پی داشت و در روزهای آخر هم زمزمه‌هایی مبنی بر حضور «آدام سندلر» مطرح شد که سرانجام همگی این موارد کنسل شد و شخص نویسنده، یعنی پیمان قاسم‌خانی به همراه محسن تنابنده نقش‌های اصلی را برعهده گرفتند.

چرا «جولی» نیامد؟

شایعه حضور «شارون استون» در فیلم «بهمن قبادی» هم در سال‌های دهه ۸۰، بسیاری را به حضور بازیگران خارجی در سینمای ایران امیدوار کرده بود. علی سرتیپی هم چند سال پیش خبر از رایزنی‌هایی برای حضور «آنجلینا جولی» در سینمای ایران داده بود. درحالی‌که سال ۹۰ گفته شده بود «جولی» بناست برای پروژه «رسوایی» مسعود ده‌نمکی به ایران بیاید، علی سرتیپی می‌گوید با مدیربرنامه «آنجلینا جولی» برای بازی در فیلمی از علیرضا رئیسیان، رایزنی کرده بود. سرتیپی ماجرای این همکاری را برای «شرق» چنین روایت می‌کند: «مشکلات داخلی بسیاری پیش آمد که نهایتا عطای این همکاری را به لقایش بخشیدیم. هجمه‌ای که راه افتاد و شرایطی که به وجود آمد، صرف نظر از شرایط مالی دشوار، کلا ما را پشیمان کرد. واکنش‌های داخلی از سوی ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف آن‌چنان تند بود که ما کلا مشکلات بیرونی‌مان را فراموش کردیم». سرتیپی درباره مبلغی که سال ۲۰۱۱ برای پرداخت به آنجلینا جولی توافق شده بود، می‌گوید: «نزدیک به شش میلیون دلار برای پرداخت دستمزد به خانم جولی توافق کرده بودیم؛ اما هزینه‌های جنبی‌ای که باید برای حضور ایشان می‌پرداختیم نیز ۱.۵ برابر مبلغ قراردادشان بود؛ هزینه‌های جنبی همچون گریمور مخصوص، محافظ و.... جدا از این هزینه سنگین، فشارهای داخلی چندان زیاد بود که کلا این همکاری را فراموش کردیم».

حضور بازیگران خارجی، موانع و محاسن

اما حضور احتمالی بازیگران خارجی چه تاثیری بر وضعیت کنونی سینمای ایران خواهد گذاشت؟ محمد اطبایی، کارشناس بین‌الملل سینما، درباره موانع و محاسن حضور بازیگران خارجی در سینمای ایران به «شرق» می‌گوید: «حضور بازیگران خارجی در فیلم‌های ایرانی، بیشتر مصرف داخلی دارد. سینماگران تلاش می‌کنند بازیگران شناخته‌شده سریال‌های ترکیه‌ای و... را به ایران بیاورند تا در اکران داخلی موفق باشند، وگرنه حضور این بازیگران، کمکی به فروش بین‌المللی فیلم‌های ایرانی نمی‌کند. در چه صورت سینماگران سراغ بازیگران خارجی می‌روند؟ وقتی قصه‌شان چنین ضرورتی را ایجاب می‌کند، یا اینکه این فیلم‌سازان، به بازاریابی بین‌المللی فیلم‌های‌شان فکر می‌کنند. اگر قصه، چنین ضرورتی را ایجاب کند و اگر امکانات مالی تهیه‌کننده اجازه دهد، تهیه‌کننده به سمت بازیگرانی می‌رود که در عین بالابردن کیفیت فیلم، به بازاریابی بین‌المللی آن هم کمک کنند؛ اما چنین امکان مالی‌ای تابه‌حال در سینمای ایران وجود نداشته است. مگر در فیلم‌های آقای فرهادی و آقای کیارستمی، که این فیلم‌ها هم اساسا سرمایه‌گذار ایرانی نداشتند. اما پیش‌ازاین باید به ضرورت دیگری توجه کرد، آن‌هم تولید مشترک است. مادامی‌که سیاستی روشن درزمینه تولید مشترک در ایران وجود نداشته باشد و یک نهاد یا یک مؤسسه به این امر به‌طور خاص نپردازد، نمی‌توان امید داشت با حرکت‌های پراکنده بخش خصوصی در دعوت از عوامل خارجی برای فیلم‌ها، اتفاق خاصی بیفتد. دولت در وهله اول باید توافق‌نامه تولید مشترک رسمی با کشورهای مختلف به امضا برساند».

بازیگر خارجی، ارزان‌تر از بازیگر ایرانی

سی‌واندی سال پیش بود که دو بازیگر سرشناس جهان برای اولین‌بار در سینمای ایران جلوی دوربین رفتند. آنتونی کوئین، یکی از بازیگران تاریخ سینما به همراه کریستوفر لی درسال ۱۹۷۸ برای بازی در فیلم «کاروان‌ها» به ایران آمدند و با محمدعلی کشاورز هم‌بازی شدند. هرچند این تقریبا بازسازی‌ای غیرحرفه‌ای از «لورنس عربستان» بود و نتوانست شروعی ماندگار و موفقیت‌آمیز برای حضور بازیگران خارجی در سینمای ایران باشد. پس از انقلاب هم این ارتباطِ تازه شکل‌گرفته با توجه به شرایط خاص ایران در آن زمان عملا ادامه پیدا نکرد. در دهه ۷۰ هم هیچ‌کس جرئت طرح چنین پیشنهادهایی را نداشت اما در دهه ۸۰ فضا برای تحققِ این ماجرا بازتر شد. دراین‌میان چند پروژه تلویزیونی و سینمایی توانستند وعده‌هایشان را محقق کنند، حضور بازیگرانی چون «پیر داغر» بازیگر مطرح لبنانی و «ناتالی متی» بازیگر فرانسوی در سریال «مدار صفر درجه»، «داریـن حمزه» بازیگر مطرح و جنجالی سینمای لبنان در فیلم‌های «کتاب قانون»، «۳۳ روز» و «فرشتگان قصاب»، «آلیسا کاچر»، بازیگر سرشناس کشور روسیه در فیلم «استرداد»، «ژولیت بینوش» بازیگر مطرح فرانسه در فیلم «کپی برابر اصل»، «بره‌نیس بژو» بازیگر معروف فرانسوی در فیلم «گذشته»، «پاملا الکیک» و «پیر داغر» در سریال«ساخت ایران» که در شبکه نمایش خانگی توزیع شد، از مهم‌ترین این حضورهاست. بااین‌حال پروژه‌های دیگری همچون «برلین منفی هفت»، «تنهای تنهای تنها» و سریال «پایتخت۳» هم بودند که از بازیگران نه‌چندان مطرح خارجی استفاده کرده‌اند.

محسن علی‌اکبری، تهیه‌کننده‌ای که در فیلم‌های «کتاب قانون» ساخته مازیار میری و «استرداد» به کارگردانی علی غفاری، بازیگران خارجی را در تولیدات ایرانی جلوی دوربین برده، درباره پتانسیل‌های سینمای ایران برای حضور بازیگران بین‌المللی در آن، به «شرق» می‌گوید: «سینمای ایران به حدی رسیده که قابلیت استفاده از بازیگران حرفه‌ای خارجی را دارد؛ به جهت ساختار به استانداردهای بین‌المللی نزدیک شده و بر اساس همین ساختار قوی ما می‌توانیم از بازیگران حرفه‌ای و دیگر عوامل خارجی در فیلم‌هایمان استفاده کنیم». اما چرا استفاده از عوامل بین‌المللی بر موفقیت اکران‌های بین‌المللی ما اثر نمی‌گذارد؟ علی اکبری این‌طور پاسخ می‌دهد: «اکران بین‌المللی، پیچیدگی‌های خاصی دارد. سینمای ایران، به‌لحاظ محتوا با معیارهای سینمای بین‌المللی بعضا تناقض دارد. برای نمونه در فیلم «کتاب قانون» اگر مادر توی فیلم، حالش بد می‌شود، پسرش نمی‌تواند او را بغل کند و خواهرش را برای این کار صدا می‌زند. چنین اتفاقاتی که بر اساس قوانین و فرهنگ جامعه ماست، در سینمای خارج از ایران تعریف نشده است و این‌جور اتفاقات سبب می‌شود تازه اگر ما بتوانیم اکران بین‌المللی هم داشته باشیم، اکران‌هایمان موفق نباشند». علی اکبری درباره شرایط حضور بازیگران خارجی در سینمای ایران و دستمزدهای آنها نیز توضیح می‌دهد: «در تجربه‌هایی که من داشتم، دستمزد بازیگران خارجی به‌مراتب از بازیگران ایرانی کمتر بود. در ایران ستاره‌ها هستند که رقم‌های تولید فیلم را بالا می‌برند اما در باقی کشورها، ستاره‌ها یک میزان مشخص از مبلغ کل تولید را به خود اختصاص می‌دهند. در ایران برعکس است. گاهی ۷۰ یا ۸۰ درصد بودجه یک فیلم، برای بازیگران است. در سینمای دنیا حتی بهترین بازیگر، براساس فیلم‌نامه، کارگردان و تهیه‌کننده دستمزدش را تغییر می‌دهد. مثلا بازیگر هالیوودی در همه فیلم‌ها دستمزد یکسانی ندارد. او با توجه به بازگشت سرمایه فیلم، دستمزدش را تعیین می‌کند و حتی گاهی در یک فیلم هنری، یک ستاره هالیوودی حضور افتخاری دارد. درحالی‌که در سینمای ایران، دوسوم بودجه کل فیلم را بازیگران ستاره به خودشان اختصاص می‌دهند».

علی اکبری همچنین به مقایسه دستمزد بازیگران ایرانی و خارجی در تجربه «کتاب قانون» و «استرداد» می‌پردازد: «ستاره روسی، آلیسا کاچر، در فیلم استرداد ۶۰ میلیون تومان دستمزد گرفت، برای چهار ماه فیلم‌برداری در سال ۹۲. درحالی‌که همان وقت بازیگر ایرانی برای ما دستمزد ۱۵۰ میلیونی تعیین کرده بود. یا دارین حمسه، ستاره سینمای لبنان، برای بازی در «کتاب قانون» در سال ۸۶ کلا ۲۰ میلیون تومان دستمزد گرفت اما همان زمان بازیگر زن ایرانی دستمزد ۸۰ میلیونی از ما خواست».

این تهیه‌کننده سینما در پایان، به ماحصل دعوت حضور بازیگران خارجی برای سینمای ایران نیز اشاره دارد: «در بهترین حالت ممکن ما به‌واسطه تولید مشترک با استفاده از عوامل مشترک بین دو کشور، با طرح موضوعات مشترک در فیلم و با تصویربرداری بخش‌هایی از فیلم در خارج از ایران، می‌توانیم امکان اکران بین‌المللی را برای خودمان فراهم کنیم. درحالی‌که تا وقتی ما کپی‌رایت نداریم، هیچ کشوری حاضر نیست با ما تولید مشترک فرهنگی- هنری داشته باشد و حضور بازیگران خارجی هم هیچ کمکی به رونق سینمای ما در سطح بین‌المللی نمی‌کند». بااین‌حساب، اصرار برخی کارگردان‌ها، تهیه‌کنندگان و مسئولان برای حضور بازیگران خارجی در فیلم‌های ایرانی چیست؟ در شرایطی که حضور فوق‌ستاره‌های جهان نیز، کمکی به نمایش بین‌المللی فیلم‌های ایرانی نمی‌کند، شایعات گاه‌به‌گاه حضور بازیگران خارجی به چه علت است؟ آیا نباید مسئولان به‌جای پرداختن به این موضوع، در پی ایجاد شرایط لازم برای امضای «توافق‌نامه تولیدات مشترک» باشند؟

پشت بوم

ایتالیا نفت ندارد، هنر، مد و ایده می‌فروشد

حسین عبدالهاشم‌پور

● ۱- ساعت‌های دایره‌ای با زمینه سفید رم که از یک‌سری هستند و در همه پیاده‌روها نصبند و هشدار می‌دهند بجنبید خوشی کنید که فرصت دنیا با شتاب در گذر است، به حوالی پنج عصر می‌رسند، دیگر همه آنها از راه رسیده‌اند، هریک چنان سریع بساط پهن می‌کنند که انگار آتلیه سیار شخصی خود آنهاست؛ یکی مجموعه‌ای پرشمار قلم‌موهای ریز و درشت با خود می‌آورد و آن یکی، دو، سه کارتن رنگ اسپری؛ آنها نه‌تنها سد معبر به شمار نمی‌آیند، بلکه شهرداری رم از آنان به‌عنوان سرمایه‌های معنوی شهر قدردانی می‌کند و خوب می‌داند آنها چه پولی به این شهر هدیه می‌کنند.

صاحبان برندهای لوکس خیابان DEL CORSO رم هم مفتخرند همسایگانی دارند که گوهر گران‌قدر درون خویش را به توریست‌های پول‌دار می‌فروشند؛ آنها دیده‌اند چه‌بسیار کسان که پیش‌پرداخت نقاشی داده‌اند و فرصت نیم‌ساعته آماده‌شدن اثرشان را در مغازه‌ها پرسه زده‌اند و پول‌های خوبی هم خرج کرده‌اند.

رومانا یکی از همین نقاشان خیابانی که ۷۰ و چند ساله خود را معرفی می‌کند و نزدیکی‌های پله‌های اسپانیایی در همسایگی لویی ویتان، ادیکت و جرجی آرمانی و... مشغول کار است. می‌گوید اگر کارش به اندازه «رافائل» (نقاش ایتالیایی) نمی‌ارزد، اما حتما سرقفلی جایش به اندازه یکی، دو اثر او می‌ارزد بنابراین به نوه‌اش وعده داده اگر مثل او نقاش خوبی شود، حتما این سرقفلی را برای او به ارث خواهد گذاشت، البته به شرط آنکه رومانای دوم از رم آن را امضا کند.

و این‌گونه در زمانه جهانی‌سازی که همه شهرها کپی‌پیست هم شده‌اند، رم، فلورانس و ونیز به لطف گرامیداشت هنر و اصالت‌های معماری‌اش، شناسنامه‌ای متفاوت برای خود به ثبت رسانده‌اند؛

۲- تماشای نقاشان در حال کارکردن ازجمله جذابیت‌های پیاده‌روهای رم است؛ برخی‌شان پنهان نمی‌کنند درآمدشان در فصول توریستی روزانه حدود ۲۰۰ یورو است؛ دست‌کم روزی ۱۰ نقاشی ۲۰ در ۱۵ سانتی‌متری می‌فروشند؛ گاه کپی‌های استادانه از بزرگان هنر، گاه آفرینش‌های هنری خودشان و گاه پرتره‌های توریست‌ها در پس‌زمینه پله‌های اسپانیایی که ناخودآگاه هر غروب میعادگاه مسافران می‌شود؛ بنابراین بر خلاف روح عموم هنرمندان، نقاشان خیابانی رم، پاییز و زمستان را دوست ندارند و اغلب نقاشی‌هایشان سرشار از رنگ‌های گرم و زرد است؛ نقاشی‌های کوچک ۵ در ۵ سانتی‌متری که پنج یورو می‌فروشند و نقاشی روی بوم ۱۰۰ در ۷۵ که فاقد چارچوب هستند را ۱۵۰ یورو می‌گویند، اما صد یورو هم می‌دهند.

۳- پرسش جدی این است که چرا شاهد چنین نشاط هنری‌ای در خیابان‌های تهران، اصفهان، شیراز و هر جای ایران نیستیم؟! آیا انبوه نقاشان ما از کار پیش‌روی مردم واهمه دارند؟ آیا مانند چندین دهه پیش برخی می‌هراسند تکنیک خاص‌شان فاش شود و از نان بیفتند؟ یا شاید مشکل از قوانین شهری است؟

نمی‌توان کتمان کرد آنچه شهرهای یادشده را حائز موقعیت متفاوت در اروپا و دنیا کرده انرژی و روح پرطراوتی است که به‌واسطه حضور پررنگ هنر در تن شهر جاری است؛ ایران که دست‌کم از منظر شمار هنرمندان با فراوانی روبه‌روست، چرا از این تمهید کم‌هزینه اما پرفایده بهره نمی‌بریم؟

خوشبختانه اکنون چند صباحی است تک‌نوازان گیتار و ویلن و حتی گروه‌های کوچک موسیقی، مردم را در خیابان‌های تهران میهمان ترانه‌هایشان می‌کنند، از شما چه پنهان، راستش گاهی به سینما آزادی می‌رویم و فیلمی می‌بینیم به این شوق که بعدش جلو سینما دو، سه ترانه زنده نوش کنیم؛ چرا نقاشان از چنین راهکاری بهره نمی‌برند؟ اتفاقا انگشت اشاره‌ام به نقاشان صاحب تکنیک با قدرت بالای طراحی است که برای تلطیف فضای شهر و پراکندن انرژی و نشاط به مردم، سه پایه زیر بغل زنند و این فضای عبوس و ترافیک‌زده را تغییر دهند؛ شاید باید از شهرداری، سازمان زیباسازی و سازمان فرهنگی- هنری شهرداری در راه تحقق این رفرم شهری انتظارات جدی داشت.